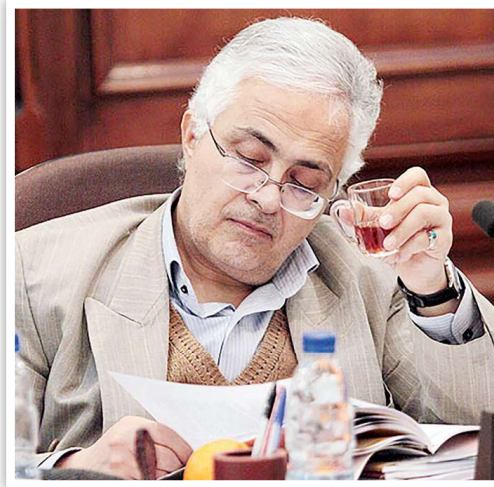


سوژه و روایان را می‌گیرد، نگران ارتباط‌گیری بهتر و درک سریع مخاطب کتابش هم باشد و در این دوران کتاب‌گریزی، تیغ تدوینش را تیزتر کند. کتاب با حذف برخی خاطرات (به ویژه در بخش خانواده) و اسناد (مثلاً یک صفحه برای تصویر رسید پرداخت خمس و دوباره همان!)، بازنویسی کوتاه‌تر و حذف مضامین تکراری، می‌توانست حداکثر ۳۰۰ صفحه باشد؛ اتفاقاً که قطعاً در انتخاب و خرید و خوانده شدن آن توسط طیف وسیع‌تری از مخاطبان تأثیر می‌گذارد.

همچنین با وجود تلاش‌های بسیار در تحقیق و تدوین و تیتراژگذاری، نمی‌توان حاصل کار را از نظر فاصله‌گرفتن از فضای خاطره‌گویی صرف و ارائه تصویر شفاف و نظام‌مندی از اصول فکری و مدیریتی دکتر خالدی، موفق دانست. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه کتاب حاصل مصاحبه مستقیم با خود مرحوم خالدی نبوده است (تحقیقات کتاب پس از مرگ و از اطرافیان ایشان صورت گرفته است)، نقل بی‌کم‌وکاست خاطرات بدون دخالت و جمع‌بندی مستقیم‌تر نویسنده، نتوانسته است قاب‌بندی خاطرات را بر اساس اصول کانونی مدیریتی تنظیم کند. به عنوان مثال در فصل بازگانی، ما شاهد این هستیم که دسته‌ای از خاطرات متعلق به مدیران بالادستی آقای خالدی و نحوه عملکرد کل مجموعه است و برخی دیگر متعلق به حلقه خاص همکاران ایشان و یا کارمندان پایین‌دستی او هستند که بیشتر به جزئیات و روش‌های مدیریت داخلی سازمان و نیروهای انسانی اشاره دارند؛ اما در تیتراژگذاری‌ها و بخش‌بندی آنها، این تمایز برای مخاطب به روشنی نشان داده نشده است. با وجود این نقدها، خواندن جولان جوانمرد نه تنها برای مدیران، بلکه برای مخاطبین عادی و منتقدان و فعالان عرصه‌های گوناگون انقلابی، می‌تواند بسیار جذاب و درس‌آموز باشد و درکی عملی و نزدیک به واقع، از چالش‌های حکمرانی و تجربیات ریزودرشت مدیریت سطح کلان آن دهد.



تکمیلی‌اش را در دانشگاه‌های دیگر و در رشته‌های فلسفه (ارشد) و عرفان (دکتر) ادامه می‌دهد. این مسأله در کنار برخی نکات موجود در خاطرات کتاب، نشان می‌دهد که ایشان بیش از آنکه کارآمدی در مسئولیت‌های مدیریتی جمهوری اسلامی را مرهون مدرک و دانش آکادمیک بدانند، چیزی که می‌بینیم با پرخوانی و مطالعات تحقیقی جبران می‌کرده است، آن را ناشی از پایمردی و عمیق شدن در معارف دینی می‌دانسته و از تذکر مداوم در این حوزه غفلت نکرده است. مسأله‌ای که می‌تواند یکی از ویژگی‌های مهم «مدیر جهادی» به شمار آید؛ اینکه عبارت جهادی را با معنای عمیق‌تر و اسلامی آن ملازم دانسته و آن را یکی از ویژگی‌های سبک زندگی خود انسان‌مدیر و نه صرفاً مدیریت او بدانیم.

#### خواندنی است ولی طولانی

با وجود اینکه کتاب «جولان جوانمرد»، از نظر سوژه جدید و متفاوت و همچنین فتح بابی که در ثبت تاریخ شفاهی مدیریت جهادی انجام داده است، مهم و مورد تحسین است؛ اما خالی از اشکال نیست. شاید بتوان حجم بالای کتاب را اولین ایراد آن دانست؛ نویسنده تاریخ شفاهی، باید همان قدر که طرف امانت‌داری

”

همین طور بی‌مقدمه به راننده تاکسی گفتم: «این طرف رو دیدی؟ این آقا زاده بود. پدرش معاون وزیر و مدیرکل بوده. الان یکی از پسرهایش بیکاره و خونه‌ش هم اجاره‌ایه.» راننده تاکسی گفت: «... بوده.» از همین جواب غیرمؤدبانه فهمیدم گویا باورش برای برخی از مردم سخت شده است؛ ولی احمد واقعیت داشت